

**Promoting active citizens in realizing the concept of
participation in the view of Islamic thinkers
With emphasis on the view of Allameh Tabatabaei**


Arzou Alikhani ¹ \ Hamidreza Saremi ²

1. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture
and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad.

alikhani@um.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art
and Architecture, Tarbiat Modares University.

saremi@modares.ac.ir

Abstract Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> 	<p>Public participation has become one of the important principles of planning discourse in the world in the last decades of the twentieth century. Despite the rich foundations of social issues in Islam, the place of citizen participation in urban management has been less addressed so far. This article aims to explore the issue of participation in Islam and the views of Islamic scholars, especially Allameh Tabataba'i, and attempts to clarify this issue in the context of the Islamic-Iranian city by comparing the views of Western scholars and Allameh. The research method is a comparative analysis based on three levels of participation: rhetorical, limited, and real. The main hypothesis of the research is that Allameh Tabataba'i's theories can provide a comprehensive framework for real citizen participation. The results show that what Islam accepts as participation is not a limited and rhetorical type of participation, but rather real participation, and Allameh Tabatabaei's views are tailored to high levels of participation; the findings of this research can be used in designing participatory policies and Islamic urban management. Keywords: Allamah Tabatabaei and the concept of participation, Islamic thinkers and the concept of participation, citizens and participation in urban management.</p>
<p>Received: 2024.10.19</p> <p>Accepted: 2025.02.15</p>	
<p>Keywords</p>	<p>Allamah Tabatabaei and the concept of participation, Islamic thinkers and the concept of participation, citizens and participation in urban management.</p>
<p>Cite this article:</p>	<p>Alikhani, Arzou & Hamidreza Saremi (2025). Promoting active citizens in realizing the concept of participation in the view of Islamic thinkers With emphasis on the view of Allameh Tabatabaei. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i>. 16 (1). 29-46. DOI: 10.22034/16.58.27</p>
<p>DOI:</p>	<p>https://doi.org/10.22034/16.58.27</p>
<p>Publisher:</p>	<p>Islamic Maaref University, Qom, Iran.</p>

ارتقاء المواطنين الفاعل لتحقيق مفهوم المشاركة من مناظر المفكرين الإسلاميين مع التأكيد على وجهة نظر العلامة الطباطبائي

آرزو عليخاني^١ / حميدرضا صارمي^٢

١. استاذ مساعد فرع عماره المدن، كلية العمارة و عمارة المدن، جامعة فردوسي، مشهد.

alikhani@um.ac.ir

٢. استاذ مرادف فرع عماره المدن، كلية العمارة و عمارة المدن، جامعة تربية المدرسين.

saremi@modares.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	المشاركة العامة في العقود الأخيرة من القرن العشرين تحول الي أحدي المبادئ الهامة للحوار المبرمج في العالم. بالرغم من وجود اسس غنية من الموضوعات الاجتماعية في الدين الاسلامي، لم يتم حتي الان كثيرا التطرق الي مكانة مشاركة المواطنين في الادارة المدنية. هذه المقالة بهدف دراسة موضوع المشاركة في الاسلام و وجهات نظر المفكرين الاسلاميين، لاسيما اراء العلامة الطباطبائي و من خلال مقارنة تطبيقية آراء المفكرين الغربيين و آراء العلامة، بذلت المساعي لأنارة هذا الموضوع في أرضية المدينه الاسلاميه -الایرانية. اسلوب البحث، هو تحليل تطبيقي علي اساس ثلاث سطوح المشاركة الشعارية، محدد و واقعي. فرضية البحث الاساسية هي أن نظريات العلامة الطباطبائي بإمكانه عرض اطار جامع للمشاركة الحقيقية للمواطنين. النتائج تشير، ان ما يقبله الاسلام باعتباره المشاركة، ليس المشاركة من نوع الشعار و محدود، بل مشاركة حقيقيه و آراء العلامة الطباطبائي ملائم مع سطوح المشاركة العالية، حصيلة هذا البحث بإمكانه الاستفادة منها في تصميم سياسات المشاركة و ادارة المدينه الاسلاميه.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٤/١٥	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٨/١٦	
الألفاظ المفتاحية	العلامة الطباطبائي و مفهوم المشاركة، المفكرون الاسلاميون و مفهوم المشاركة، المواطنون و المشاركة في الادارة المدنية.
الاقتباس:	عليخاني، آرزو و حميدرضا صارمي (١٤٤٦). ارتقاء المواطنين الفاعل لتحقيق مفهوم المشاركة من مناظر المفكرين الاسلاميين مع التأكيد علي وجهة نظر العلامة الطباطبائي. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٦ (١). ٢٩ - ٤٦. DOI: 10.22034/16.58.27
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/16.58.27
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



ارتقای کنشگرانه شهروندان در تحقق مفهوم مشارکت در نظر اندیشمندان اسلامی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی

آرزو علیخانی^۱ / حمیدرضا صارمی^۲

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد.

alikhani@um.ac.ir

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

saremi@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۴۶ - ۲۹)	مشارکت عمومی در دهه‌های پایانی قرن بیستم به یکی از اصول مهم گفتمان برنامه‌ریزی در جهان تبدیل شده است. با وجود مبانی غنی از موضوعات اجتماعی در دین اسلام، تاکنون کمتر به جایگاه مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداخته شده است. این مقاله با هدف واکاوی موضوع مشارکت در اسلام و نظرات اندیشمندان اسلامی، به‌طور ویژه، نظرات علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده است و با مقایسه تطبیقی نظرات اندیشمندان غربی و نظرات علامه، سعی در روشن نمودن این موضوع در بستر شهر اسلامی - ایرانی دارد. روش تحقیق، تحلیل تطبیقی بر مبنای سه سطح مشارکت شعاری، محدود و واقعی است. فرضیه اصلی پژوهش این است که نظریات علامه طباطبایی می‌تواند چارچوبی جامع برای مشارکت واقعی شهروندان ارائه دهد. نتایج نشان می‌دهد، آنچه اسلام به‌عنوان مشارکت قبول دارد، نه مشارکتی از نوع شعاری و محدود، بلکه مشارکت واقعی است و نظرات علامه طباطبایی متناسب با سطوح بالای مشارکت، تنظیم شده است؛ یافته‌های این پژوهش می‌تواند در طراحی سیاست‌های مشارکتی و مدیریت شهری اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷	واژگان کلیدی علامه طباطبایی و مفهوم مشارکت، اندیشمندان اسلامی و مفهوم مشارکت، شهروندان و مشارکت در مدیریت شهری.
استناد: DOI: 10.22034/16.58.27. ۲۹ - ۴۶ https://doi.org/10.22034/16.58.27	علیخانی، آرزو و حمیدرضا صارمی (۱۴۰۴). ارتقای کنشگرانه شهروندان در تحقق مفهوم مشارکت در نظر اندیشمندان اسلامی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی. <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i> . ۱۶ (۱). DOI: 10.22034/16.58.27. ۲۹ - ۴۶ https://doi.org/10.22034/16.58.27
کد DOI:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
ناشر:	

مقدمه

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و کارآمدی سیاست‌ها، در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در ادبیات جهانی، این مفهوم اغلب به عنوان ابزاری برای بهبود اثربخشی برنامه‌ریزی و تقویت حس مسئولیت اجتماعی شهروندان تعریف می‌شود. علی‌رغم قرارگیری در بستر یک کشور اسلامی که تأکید بر مشورت، یکی از آموزه‌های دینی است، به نظر می‌رسد مشورت و مشارکت با شهروندان در مدیریت شهری در کشور ما صورت نمی‌گیرد یا در مراحل ابتدایی است. بنابراین به دلیل استفاده نکردن از نظریات مردم و نبود فرهنگ مشارکت، بسیاری از جنبه‌های مدیریت شهری دچار مشکل است و هزینه‌های زیادی پرداخت می‌شود؛ درحالی‌که مشورت با شهروندان می‌تواند منجر به افزایش مشارکت آنان در اداره امور شهری شود. این کاستی به دلیل نبود چارچوب نظری بومی و بهره نگرفتن از مفاهیم غنی اسلامی در حوزه مشارکت است که در نهایت منجر به مشکلات مدیریتی و هزینه‌های اضافی در اداره امور شهری شده است.

تجربیات اخیر نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی تحت تأثیر نظریات غربی، اغلب به تکرار و تقلید از الگوهای مشارکتی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که این نظریات با بستر فرهنگی و اجتماعی آنها همخوانی کامل ندارد. دین مبین اسلام، کامل‌ترین دین در زمینه دستورالعمل‌های اجتماعی و فردی است. بنابراین می‌توان با تکیه بر آرای اندیشمندان مطرح اسلامی به بررسی موضوع مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و نحوه مشورت با آنان پرداخت. از آنجاکه علامه طباطبایی مفسر قرآن کریم بوده و تفسیر *المیزان* شاهکار برجسته اوست، مسلط به مبانی قرآنی و روایی است. از این رو مبانی بحث‌های فکری و اجتماعی او از سویی در حکمت متعالیه و عرفان اسلامی، و از سوی دیگر در قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام ریشه دارد. لذا اندیشه‌های او پیوند قرآن، برهان و عرفان بوده و این، وجه تمایز و برتری ایشان نسبت به سایرین است. علامه طباطبایی، در مقام یکی از اندیشمندان برجسته اسلامی، در نظریاتش بر اصولی نظیر عدالت اجتماعی، مشورت، و تعامل در امور اجتماعی، تأکید دارد.

خلاً موجود بین نظریات اندیشمندان مسلمان و نظریات شهرسازی را می‌توان با بررسی تطبیقی این موضوع و به کارگیری آن در بستر شهرهای اسلامی برطرف کرد. پرسش اصلی پژوهش، این است که نظریات علامه طباطبایی درباره مشارکت شهروندان در امور شهری چیست و چگونه می‌توان با اتکا به نظریات علامه طباطبایی به الگویی جهت مشارکت شهروندان در امور شهری دست‌یافت. بنابراین این مقاله درصدد است با تکیه بر نظریات علامه طباطبایی، با نگاه شهرسازانه، به واکاوی موضوع در نگاه این اندیشمند و عالم جهان اسلام بپردازد.

چارچوب نظری

مفهوم مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، به عنوان یکی از ارکان کلیدی برنامه‌ریزی شهری، در ادبیات نظری غربی و اسلامی دارای تعاریف و رویکردهای متفاوتی است. در نظریات غربی، مشارکت عموماً بر اساس نیازهای اجتماعی و کارکردی تعریف شده و از منظر ابزارهای تصمیم‌سازی و کارآمدی فرایندهای مدیریتی، مورد توجه قرار گرفته است.

در مقابل، مفهوم مشارکت در اسلام، از اصولی چون عدالت اجتماعی، مشورت، و رضایت عمومی نشئت می‌گیرد. در قرآن و سنت، مشورت یکی از عناصر کلیدی در مدیریت امور اجتماعی به‌شمار می‌رود و به‌طور خاص در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۱ بر ضرورت رایزنی و تعامل در تصمیم‌گیری‌ها تأکید شده است.

این مقاله با استناد به نظریات غربی و اسلامی، تلاش می‌کند با تطبیق مفاهیم و اصول مشارکت، چارچوبی بومی برای مدیریت شهری ارائه دهد. فرایند تطبیق، شامل تحلیل نظریات غربی و اسلامی بر اساس سه سطح مشارکت شعاری، محدود، و واقعی است. در این تطبیق، شباهت‌هایی چون اهمیت توانمندسازی شهروندان، و تفاوت‌هایی مانند تأکید ویژه اسلام بر عدالت اجتماعی و رضایت عمومی، برجسته می‌شود. چارچوب نظری این مقاله با هدف مقایسه تطبیقی نظریات علامه طباطبایی و اندیشمندان غربی درباره مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تدوین شده است. این چارچوب به عنوان مبنای مفهومی پژوهش، مسیر تحلیل و مقایسه را مشخص، و به درک تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌ها کمک می‌کند.

این چارچوب با ترکیب دیدگاه‌های غربی و اسلامی، مدلی تطبیقی ارائه می‌دهد که علاوه بر شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، امکان طراحی یک الگوی مشارکتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را فراهم می‌کند. این الگو می‌تواند به عنوان راهنمایی برای ارتقای مشارکت واقعی شهروندان در مدیریت شهری و تحقق عدالت اجتماعی، استفاده شود.

نظریات اندیشمندان غربی درباره مشارکت

دموکراسی یا مردم‌سالاری، حکومت به وسیله مردم است و از نظر ریشه‌شناسی، برگرفته از واژه یونانی دموس، یعنی مردم، و کراتین، یعنی حکومت کردن است.^۱ مردم‌سالاری یا دموکراسی مبتنی بر مشارکت مساوی و واقعی اعضا جهت ابراز دیدگاه‌هایشان برای دیگران و رأی برابر و فرصت‌های برابر و کارآمد برای آشناسدن با سایر سیاست‌های جایگزین و عملی و کنترل در دستور کار است. تعبیر مردم‌سالاری

۱. دال، درباره دموکراسی، ص ۱۴.

دینی نیز بر همین معنا صحنه می‌گذارد و تحقق آن را در چارچوب اسلام می‌خواهد.^۱

مشارکت عمومی، در دهه‌های پایانی قرن بیستم به یکی از اصول مهم گفتمان برنامه‌ریزی و عنصر ارزشمند حقوق شهروندی و تصمیم‌سازی دموکراتیک در جهان تبدیل شده است و محققانی نظیر فورستر (۱۹۸۹)، هیلی (۱۹۹۲)، سندرراک (۱۹۹۸) سواپان و خان (۲۰۱۳) و دیگر محققان بر لزوم برنامه‌ریزی مشارکتی مبتنی بر نیاز و قابل قبول از نظر اجتماعی به جای رویکرد از بالا به پایین و تخصص‌محور مرسوم تأکید کرده‌اند. در همین راستا نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها، میزان نوآوری و خلاقیت و استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی است.

تحقیقات جان ترنر (John turner)، از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی، نشان می‌دهد هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند، هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی، نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی، توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود.

در حالت اول، دولت به شکل متمرکز عمل کرده و نیازی به مشارکت مردم احساس نمی‌کند. از این جمله دولت‌ها می‌توان به کشورهای عربی اشاره کرد. در این حالت، دولت، مقتدر و متمرکز است، ولی ثروتمند نیست. دولت به‌زور یا با تشویق، از مردم می‌خواهد در طرح‌های زیر هدایت دولت، کار مجانی انجام دهند یا پول اهدا کنند و دولت، خود اقدام به انجام طرح‌های عمرانی می‌کند. در حالت دوم، دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در تمام اموری است که مربوط به آنها می‌شود؛ مانند حکومت‌های متکی بر مشارکت و دموکراسی که خود مردم از طریق ارگان‌های مردمی که تشکیل می‌دهند، هم منابع ملی را برای انجام توسعه فراهم می‌کنند و هم خودشان در تمام امور محلی تصمیم می‌گیرند.^۲

میجلی^۳ بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

شیوه ضد مشارکتی: طرفداران این عقیده، معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهد.

شیوه مشارکت هدایت‌کننده: در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند.

۱. یزدانی مقدم، «مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی»، حکومت اسلامی، ص ۸۸.

۲. ازکیا و غفاری، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، ص ۱۶۴.

3. Midgley 1986.

مشارکت اجتماع محلی در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می کند، به کار می رود.

شیوه مشارکت فزاینده: در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، دوگانه عمل می کند؛ به این ترتیب که در موضع گیری های رسمی از آن حمایت می کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی شود.

شیوه مشارکت واقعی: در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعی به طور کامل حمایت، و با ایجاد سازوکارها، برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه ها تلاش می کند. در این شیوه، دولت، متعهد به فعالیت های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی و ... و هماهنگی در تصمیمات مرکزی و محله ای است.^۱

ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن، از نردبان مشارکت استفاده کرد.^۲ نردبان مشارکت ارنشتاین دارای هشت پله است که از یک سو به «فریب کاری» و از سوی دیگر تا «اختیار شهروندان» ادامه می یابد؛ امری که به معنای سهم بردن مردم در قدرت و جریان آن است. بر اساس پله های مد نظر ارنشتاین، وضعیت و کیفیت افراد در خصوص مشارکت را می توان به سه دسته «محرومین از مشارکت»، «مشارکت جزئی» و «مشارکت واقعی» تقسیم بندی کرد.^۳ اسکات دیویدسون، گردونه مشارکت خود را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را ارائه می کند، بدون اینکه ترجیحی برای هیچ یک قائل شود. در این مدل، تصمیم گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می گیرد. دیویدسون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می کند، تقدم و تأخر خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره «گردونه» به جای نردبان استفاده می کند؛ اما به هر حال سطوح چهارگانه ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارت اند از: ۱. اطلاع رسانی؛ ۲. مشاوره؛ ۳. مشارکت؛ ۴. توانمندسازی.^۴

وی معتقد است مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه،

۱. حاج سیدالحسینی، «بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی شهروندان در ساختار مدیریت شهری»، *معماری شناسی*، ش ۱۵، ص ۲۱۱ - ۲۰۵.

۲. رهنما، *برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری ها، تجربیات و تکنیک ها)*، ص ۱۷۲.

۲. شرفی، رشیدی فر و برک پور، «مشارکت مردمی در تهیه طرح های ساماندهی و توسعه محله ای (نمونه موردی: محله امیرآباد - گل ها)»، *نامه معماری و شهرسازی*، ش ۲، ص ۹۵.

۳. کشتکار و حاتمی، «الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۶۹، ص ۴۸ - ۴۰.

۴. همان.

باید به نفع ساکنان محلی باشد؛ ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند؛ ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم گیری دارند.

از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می گیرد.

نظریات مرتبط در حوزه مشارکت شهروندان، تعداد کثیری را به خود اختصاص می دهد که در اینجا صرفاً به ارائه پرکاربردترین نظریات اکتفا شده است. مشارکت در این نظریات به سه سطح مشارکت شعاری، محدود و واقعی تقسیم بندی شده است. نکته قابل تأمل در کلیه نظریات، این است که این نظریه پردازان، سطوح پایین یا مشارکت شعاری را نیز به رسمیت شناخته اند و بسیاری از تجربیات غربی که نام مشارکت دارد، در سطح مشارکت شعاری یا محدود قرار می گیرد.

سطح اول که با عنوان مشارکت شعاری تعریف شده است، درواقع شامل ادعای مدیران شهری درباره مشارکت می شود؛ درحالی که در واقعیت، اعتقادی به مشارکت مردم در تصمیم گیری ها وجود ندارد و مردم نقشی در تعیین سرنوشت خود ندارند. در سطح دوم، با عنوان مشارکت محدود، شهروندان تنها در جریان امور قرار می گیرند و تصمیمات به اطلاع آنان می رسد، بدون اینکه قدرت تغییر یا اصلاح تصمیمات را داشته باشند؛ درواقع تصمیم گیری در سطح مدیریت شهری اتفاق می افتد و مردم فقط از تصمیمات اتخاذ شده مطلع می شوند. در سطح سوم که از آن با مشارکت واقعی یاد شده است، شهروندان علاوه بر مطلع شدن از مشکلات، در تصمیم گیری در جهت رفع آن نیز شریک هستند و علاوه بر این، در اجرا نیز به عنوان شهروندانی فعال حضور دارند.

نظریات	مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی
میعلی	هدایت شده	فزاینده	واقعی
ترنر	تصمیم گیری با دولت / اجرا با دولت	تصمیم گیری با دولت / اجرا با مردم / یا تصمیم گیری با مردم / اجرا با دولت	تصمیم گیری با مردم / اجرا با مردم
ارنشتاین	دست کاری / درمان	اطلاع رسانی / مشاوره / تسکین	شراکت / قدرت تفویض شده / اختیار
دیویدسون		اطلاع رسانی / مشاوره	مشارکت / توانمندسازی
دریکسل	تزئین / دست کاری / مساوات طلبی نمایشی	مشاوره / بسیج	مسئولیت پذیری مردم / مشارکت در تصمیم گیری

جدول ۱ جمع بندی و سطح بندی نظریات مشارکتی اندیشمندان غربی

حال باید با بررسی نظریات علامه طباطبایی به این موضوع پرداخت که اسلام و بخصوص علامه کدامیک از این سطوح را درباره مشارکت به رسمیت می‌شناسد و مدیریت شهری را تا چه میزان ملزم به استفاده از شهروندان در تصمیمات می‌داند. با توجه به توضیحات پیشین و بررسی آرای اندیشمندان غربی درباره مشارکت در مدیریت شهری، می‌توان مبنای سه‌سطحی استخراج‌شده از نظریات را عامل مشترک در نظر گرفت و به بررسی آرای علامه طباطبایی در این زمینه با توجه به این مبنای مشترک پرداخت.

نظریات علامه طباطبایی درباره مشارکت در نگاه پژوهشگران

در ادامه، این نظریات مقایسه تطبیقی شده‌اند تا از طریق قیاس آنها بتوان با ویژگی‌های حکومت اسلامی و دیدگاه اسلام از منظر علامه طباطبایی، به ویژگی‌های هریک با نگاهی مقایسه‌ای پرداخته شود. درواقع به‌جای انتخاب یکی از نظریه‌پردازان به‌عنوان مبنایی برای مقایسه، نظریات پنج نظریه‌پرداز غربی جمع‌بندی تطبیقی، و موارد اشتراک و افتراق این نظریات، مشخص شده است. پس از مشخص شدن کلیات و رئوس نظریات بررسی‌شده، دیدگاه علامه طباطبایی درباره مشارکت در شهرسازی و از طریق مقایسه با رئوس به‌دست‌آمده در نظریات شهرسازان غربی، مطالعه شده است.

این پژوهش‌ها در گروه نخست، آثار رویکردهای علامه طباطبایی، و در دسته دوم، این نظریات را در مدیریت شهری بررسی کرده‌اند. در دسته اول که با محوریت اندیشه‌های علامه طباطبایی است، مباحثی مانند رویکرد جامعه‌شناختی به بحث ادراک‌های اعتباری در اندیشه علامه طباطبایی، تعیین اجتماعی معرفت‌های وحیانی در اندیشه علامه طباطبایی، تأملی جامعه‌شناختی بر مباحث معرفتی علامه طباطبایی بررسی می‌شود. در دسته دوم به این اندیشه‌ها در مدیریت شهری پرداخته می‌شود که شامل مطالعات رحمانی و سایرین^۱ و پیربابایی و سایرین^۲ است.

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که به‌طور خاص به نقش مردم در حکومت می‌پردازد، در مقاله بوذری‌نژاد و مرندي (۱۳۹۴)^۳ با عنوان «نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و نظام حقوقی - سیاسی جامعه، بررسی شده است. این مقاله با بررسی آرای این فیلسوف در حوزه حقوق عمومی، به لزوم مشورت با افراد و شهروندان اشاره کرده است.

۱. رحمانی، پیربابایی و شجاری «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی»، *دوفصلنامه اسلام و مدیریت*، ش ۶ ص ۱۸۰ - ۱۶۳.

۲. پیربابایی و رحمانی، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۶ ش ۲، ص ۳۳۱ - ۳۱۱.

۳. مرندي و بوذری‌نژاد، «نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و نظام حقوقی - سیاسی جامعه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۵، ش ۱، ص ۱۱۲.

مظاهری (۱۳۸۴)^۱ در مقاله «انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبایی» به بررسی چگونگی نقش‌آفرینی انسان در تأسیس و اداره حکومت اسلامی با تکیه بر نظریات علامه طباطبایی پرداخته است. در این مقاله به اجتماعی بودن بالفطره انسان و جمع‌گرایی او اشاره شده است. درباره امور مدیریت شهری نیز این مقاله با تکیه بر نظریات علامه، سهمیم بودن شهروندان و مشارکت آنان به‌طور یکسان را امری الزامی دانسته است.

در مقاله «مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی»، یزدانی مقدم (۱۳۸۷)^۲ با اشاره به موافق نبودن علامه طباطبایی با دموکراسی به دلیل مطلق دانستن حکومت اسلامی و ماهیت حکمروایی و فرمانروایی خداوند، به تحلیل مردم‌سالارانه نظریه ایشان پرداخته است؛ بر این اساس حکومت اسلامی بدون حضور و نقش‌آفرینی همه مردم میسر نمی‌شود. حق نظارت، حق اظهارنظر و حق یکسان و رأی برابر درباره فرمانروایی و اداره جامعه، از جمله حقوق شهروندان شمرده شده است. در این مقاله آمده است که حکومت اسلامی، حکومت اجتماع دینی است و در اختیار یک فرد نمی‌باشد.

علاوه بر این، خان‌محمدی (۱۳۹۱) در مقاله «مقایسه عقلانیت و حیانی (بر اساس دیدگاه هابرماس و علامه طباطبایی)»^۳ به غریزی بودن زندگی جمعی و مدنی انسان اشاره می‌کند و منافع جمعی را بر فردی ترجیح داده است. او با اشاره به اصل استخدام در نظر علامه، آن را کامل‌تر از عدالت در نظر هابرماس می‌داند.

کلیه مقالات اشاره‌شده به‌نحوی به بررسی مشارکت و حضور مردم در اداره حکومت، و به‌تبع اداره شهرها پرداخته است؛ ولی در هیچ‌یک از آنها به‌طور مستقیم به موضوع نپرداخته، و نحوه نقش‌آفرینی شهروندان مشخص نشده است. تنها دو مقاله با موضوع مشترک وجود دارد. جواد رحمانی و سایرین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی» به بررسی این موضوع پرداخته و مفهوم مشارکت را با تکیه بر نظریات این اندیشمند اسلامی بومی‌سازی کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، امری اجتناب‌ناپذیر است که مدیر شهری بدون اتکا به آن، نمی‌تواند اقدام به تصمیم‌گیری کند.^۴

۱. مظاهری، «انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبایی»، پژوهش دینی، ص ۲۳۰ - ۲۱۳.

۲. یزدانی مقدم، «مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی»، حکومت اسلامی، سال ۱۴، ص ۹۰.

۳. خان‌محمدی، «مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت و حیانی (بر اساس دیدگاه‌های هابرماس و علامه طباطبایی)»، علوم سیاسی، ۱۵ (۵۷): ص ۷۴ - ۳۱.

۴. رحمانی و پیربابایی، «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی»، دوفصلنامه اسلام و مدیریت، ص ۱۷۳.

علاوه بر این، پیربابایی و رحمانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای دیگر با تأکید بر مشارکت در مدیریت شهری به تبیین نظریه علامه پرداخته و با اشاره به نقش حکومت در جامعه اسلامی، نتیجه گرفتند که از دیدگاه علامه طباطبایی شهروندان دارای حقوق و وظایفی درباره مدیریت شهری هستند و باید در آن نقش داشته باشند. به عبارت دیگر، اگر مردم به صورت مستمر در مدیریت شهری نقش نداشته باشند، وظیفه دینی و شرعی خود را انجام نداده‌اند.^۱

به نظر می‌رسد این مقالات به لحاظ مفهومی تشابه زیادی با پژوهش حاضر دارند؛ تفاوت این پژوهش، مربوط به بررسی تطبیقی نظریات مطرح جهانی با نظریات علامه و سپس مشخص کردن وجوه تفاوت، تشابه و احیاناً برتری‌های موجود در نظریات اندیشمندان اسلامی است که تاکنون صورت نگرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش در حوزه مطالعات کیفی قرار می‌گیرد و با راهبرد تحلیل گفتمان در پی توصیف و فهم روابط و ساختارهای موجود بین نظریات مشارکت اجتماعی و نظریات اندیشمندان اسلامی، به ویژه علامه طباطبایی است. شیوه‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از نوع مطالعه اسناد، کتب و مقالات به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای است. بنابراین با توجه به موضوع پژوهش، نظریه‌های مختلف درباره مشارکت تبیین شده است و سپس با بررسی و مقایسه آنها با دیدگاه علامه طباطبایی، با کمک استدلال منطقی، به نتیجه‌گیری از نظریات ایشان درباره مشارکت پرداخته می‌شود. درواقع پیوند بین نظریه‌های مشارکت در مدیریت شهری که در حوزه تخصصی شهرسازی مطرح شده است با نظریات یکی از عالمان دینی در کشورهایی که به شیوه اسلامی مدیریت می‌شود، ضروری است؛ و این مقاله با بررسی تطبیقی این نظریات، سعی در تبیین موضوع مشارکت شهروندان در شهرسازی از منظر اسلام دارد.

یافته‌های تحقیق

نظریه علامه طباطبایی درباره مشارکت: ادراکات اعتباری، ملک اجتماعی و رئالیسم تعاملی

در نظریات علامه طباطبایی به مشارکت شهروندان در مدیریت شهری اشاره مستقیم نشده است، لیکن بررسی نظریات ایشان در موارد بنیادی‌تر نظیر شورا و اهمیت آن در حکومت و شیوه حکومت‌داری می‌تواند مبنایی برای تعمیم موضوع به مدیریت شهری قرار گیرد. بنابراین در ادامه، نظریات علامه طباطبایی شامل ادراکات اعتباری، ملک اجتماعی و رئالیسم تعاملی بررسی شده است.

۱. پیربابایی و رحمانی، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ص ۳۳۱ - ۳۱۱.

ادراکات اعتباری، نظریه ابتکاری علامه طباطبایی است که در آثاری چون رساله *الاعتباریات*، رساله *الانسان فی الدنيا، حاشیه بر کفایه، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تفسیر المیزان* و کتاب *نهایة الحکمه* تبیین شده و بنیادی برای مباحث ایشان قرار گرفته است. نظریه ادراکات اعتباری دارای سه بخش است و در بخش سوم، مفاهیمی چون استخدام، اجتماع، عدالت اجتماعی، به عنوان اعتباریات پیش از اجتماع، بحث و بررسی شده است.^۱

درباره مفهوم استخدام و اجتماع، علامه طباطبایی معتقدند منفعت طلبی ویژگی طبیعی و فطری آدمی است و هر موجودی به مقتضای میزان توان خود، برای بقا و حفظ حیات خویش، دست به ترکیبی از توانایی‌های خود و عناصر موجود در محیط خویش می‌زند. انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست. ما برای سهولت در ادامه حیات، همواره در پی استخدام و به کارگیری عناصر موجود در اطراف حیات زیستی خویش هستیم و سعی داریم به این شکل، راه را برای ادامه حیات خویش هموارتر سازیم. نتیجه گرایش همگانی استخدام در همه افراد بشر این است که زندگی جمعی تشکیل می‌شود (اصل اجتماع). انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته سود خود را از همه می‌خواهد (اعتبار استخدام)^۲ و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حُسن عدالت و قُبْح ظلم).^۳

بنابراین با توجه به وجود قاعده استخدام و ضرورت زندگی جمعی، بحث منافع جمعی پیش می‌آید که ضروری است درباره این منافع جمعی به گونه‌ای تصمیم‌گیری شود که سود همگانی تأمین شود. حال باید دید چگونه این سود جمعی محقق می‌گردد. با بررسی اندیشه علامه طباطبایی درباره شورا، می‌توان گفت شورا در اندیشه علامه جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌توان مبانی نظری آن را در ملک اجتماعی و رئالیسم تعاملی دانست. با توجه به ملک اجتماعی، درمی‌یابیم که شورا برای رعایت حق مردم در ملک و حکومت است و با توجه به رئالیسم تعاملی و نسبت ادراکات با شرایط فرهنگی و تمدنی و ضرورت تدبیر اجتماعی و تفکر اجتماعی یا حوزه عمومی برای بحث و گفت‌وگو پیرامون دریافت حقیقت، می‌توان دریافت که شورا برای رسیدن به واقع، از نشر سود و مصلحت اجتماعی و سیاسی است.^۴

در نتیجه به صورت مقدماتی می‌توان ریشه‌های مشارکت شهروندی را در نظریات علامه طباطبایی

۱. طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۲، ص ۲۰۸ - ۲۰۲.

۲. همان. ج ۲، ص ۱۹۹.

۳. طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۲.

۴. یزدانی مقدم، «بررسی مقایسه‌ای حکومت و مصلحت در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبایی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۱۴، ص ۱۸۸ - ۱۶۳.

جست‌وجو کرد. در ادامه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در نظریات مرتبط با مشارکت در حوزه علم شهرسازی، از طریق بررسی تطبیقی این نظریات با نظریه علامه طباطبایی، این موضوع در نظریه علامه طباطبایی تبیین می‌شود.

از دیدگاه علامه انسان موجودی اجتماعی و جمع‌گراست و اجتماعی بودن از فطریات او محسوب می‌شود و بدیهی است که این حکم فطری هیچگاه نباید منحرف از اصل گردد و در سایه چنین نگرشی وظیفه انسان در ساخت جامعه، تلاش برای تشکیل حکومت مطلوب، معین و مشخص می‌گردد. تاریخ و همچنین آثار باستانی از قرون گذشته، حکایت از این موضوع دارند. از حیث شکل، حکومت موردنظر علامه حکومتی است مبتنی بر یک روش جمعی و به بیان دیگر حکومتی جمهوری است که هیچ فردی بر دیگری مزیت ندارد و همه یکسان هستند.^۱

علامه طباطبایی معتقد است جامعه همچون افراد، دارای ویژگی‌ها، خواص و قوای خاصی است و چنانچه خواسته‌های این دو با هم تعارض کنند، مسلماً جامعه بر فرد غلبه خواهد کرد و فرد مجبور به پیروی از کل، و تابع سیر اجتماعی است و حتی گاه جامعه، چنان سیطره خود را بر افراد خواهد انداخت که در موارد مختلفی مانند شورش‌ها، انبوهه‌ها، وحشت‌های عمومی و در برابر برخی آداب‌ورسوم قومی و ...، اراده افراد را سلب می‌کند و فکر و ادراک را از آنان می‌گیرد.^۲ قریحه استخدام به زندگی اجتماعی می‌انجامد و حکم اعتباری انسان به وجوب زندگی مدنی و اجتماع تعاونی، اعتبار اجتماع است و لازمه این حکم، حکم دیگری است به لزوم استقرار اجتماع؛ به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق خود برسد، نسبت‌ها و روابط میان اعضای اجتماع متعادل باشد، و این حکم، حکم به عدل اجتماعی است.^۳ بنابراین عدل اجتماعی نیز درواقع مبتنی بر همان اصل استخدام است. این موضوع در تصویر ۱ به‌طور خلاصه و سلسله‌مراتبی نمایش داده شده است؛ به این ترتیب که از اصل اجتماع به اعتبار استخدام و اجتماع، و درنهایت اعتبار حسن عدالت رسیده است که نتیجه آن، تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی است. یکی از راه‌های مهم رسیدن به این عدالت، امکان مشارکت همه در تعیین سرنوشت خود است که با موضوع مشارکت، برابری می‌کند.

۱. مظاهری، «انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبایی»، پژوهش دینی، ش ۱۱، ص ۲۳۰ - ۲۱۳.

۲. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۹۷ - ۹۳.

۳. همو، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۲، ص ۲۰۸.



تصویر ۱: نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی - منبع: نگارنده

بنابراین با در نظر گرفتن دیدگاه مدیریت شهری و نقش شهروندان در مدیریت شهری و همچنین دیدگاه علامه طباطبایی درباره حکومت اسلامی، می‌توان به این نکته پی برد که شهروندان می‌توانند در مدیریت شهری نقش داشته باشند، بلکه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت و حکومت، امری اجباری است و علامه حکومت و مدیریتی را که مردم در آن نقش نداشته باشند، دیکتاتوری می‌نامد.^۱ از نظر علامه حکومتی که جمع مردم آن را اداره می‌کنند و فرد یا گروه خاصی امتیاز ویژه‌ای نسبت به بقیه ندارند، به‌نحوی که همه مردم در صفی واحد قرار دارند، حکومت دینی است.^۲ از نظر ایشان، شرکت مردم و شهروندان در امور جامعه، متناظر با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر است و در حدی قوی است که مردم نمی‌توانند و نباید به تصمیمات و اتفاقاتی که در محل زندگی خود شاهد آن هستند، بی‌توجه باشند.^۳ مردم نه تنها در اداره امور شهر به‌طور مستقیم دخیل‌اند، بلکه انتخاب نظام حکومتی و حاکم یا همان سیستم مدیریت شهری و مدیر شهر نیز باید با نظر آنها باشد.

حکومت مردمی دینی (مردم‌سالاری دینی) در نظر علامه، حکومتی است که در چارچوب دین، به آرای مردم توجه شده است. علامه این قسم از حکومت را نوع سوم از دو نوع حکومت دموکراسی و دیکتاتوری ذکر می‌کند که در آن، نه استبداد و دیکتاتوری حاکم است و نه ملاک حق و عمل، صرف

۱. رحمانی، پیربابایی و شجاری، «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی»، *دوفصلنامه اسلام و مدیریت*، ش ۶، ص ۱۷۱.

۲. مظاهری، «انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبایی»، *پژوهش دینی*، ش ۱۱، ص ۲۳۰ - ۲۱۳.

۳. پیربابایی، رحمانی، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۶، ش ۲، ص ۳۳۱ - ۳۱۱.

آرای اکثریت لحاظ شده است؛ بلکه ملاک، لحاظ حق و عقلانیت است که از آموزه‌های الهی اقتباس می‌شود و حاکم و متولی حکومت باید از طریق شورا و مشاور به تشکیل و اداره حکومت بپردازد. وی تصریح می‌کند که یکی از تفاوت‌های حکومت‌های دموکراسی با حکومت‌های دینی، توجه و اهتمام افراطی و نامعقول به آرای مردم است؛ چراکه رأی اکثریت همیشه با حق و عقلانیت، مقارنه و ملازمه ندارد و ممکن است در جهت خطا و باطل باشد. «ان اجتماع الاسلامی شعاره الوحید هو اتباع الحق فی النظر و العمل و الاجتماع المني الحاضر شعاره اتباع مایراه و یریده الاکثر».^۱ نخستین مؤلفه نظریه «حکومت مردم‌سالار دینی» دینی بودن آن است و با اجرا و عملی نمودن احکام ثابت و متغیر شریعت توسط حاکم واجد شرایط، حکومت دینی عینیت و نمود پیدا می‌کند؛ ولی این مؤلفه به‌تنهایی در دینی بودن حکومت کفایت نمی‌کند، بلکه توجه به آرای مردم نیز از مؤلفه‌های حکومت دینی است. نقش و جایگاه آرای مردم در تعیین حکومت و حاکم در مقایسه با حاکم معصوم و غیرمعصوم تفاوت می‌کند. حکومت پیامبر ﷺ و امامان در اندیشه سیاسی امامیه و علامه، نه از آرای مردمی، بلکه از خداوند نشئت گرفته است و نقش مردم در این نوع حکومت‌ها در اداره کشور و وضع قوانین متغیر و اجتماعی است که حاکم با شور و مشورت با مردم یا نخبگان آنان به اداره کشور می‌پردازد تا حکومت وی از حکومت دیکتاتوری و استبدادی متمایز گردد. با بررسی الگوی پیشنهادی علامه طباطبایی درباره مشارکت شهروندان نیز می‌توان گفت از دیدگاه علامه، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهری نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ که اصلی‌ترین آنها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا کند و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد. علامه طباطبایی مردم را مسئول زنده نگه‌داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت می‌داند و این با مشارکت در اداره کشور محقق می‌شود.^۲ علامه با اشاره به آیات اجتماعی دین و خطابات آنها به عموم مردم چنین استنباط می‌کنند که دین اسلام دین اجتماعی است که خداوند، آن را بر عهده تمامی مردم گذاشته است. در سوره توبه نیز آمده است که مؤمنان در قبال دیگران دارای حق ولایت و سرپرستی‌اند و این در تمامی ابعاد اجتماع جاری است.^۳ بنابراین از ابتدای تشکیل سیستم مدیریت شهری تا نظارت بر چگونگی اجرای پیشنهادها، از جمله مسئولیت‌هایی است که بر دوش مردم است و نیاز به مشارکت آنان دارد. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته درباره نظریات مشارکت و تقسیم‌بندی سه‌سطحی آن، نظریه علامه درباره مشارکت، در سطح مشارکت واقعی قرار می‌گیرد.

۱. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۱۰۱.

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. همان، ج ۹، ص ۳۳۸.

نظریه	مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی
علامه طباطبایی	ندارد	ندارد	انتخاب سیستم مدیریتی / تصمیم‌گیری؛ قانون‌گذاری و اجرا با نظر مردم / نظارت بر اجرا توسط مردم

جدول ۲ سطح‌بندی نظریات مشارکتی با نظریات علامه طباطبایی

بنابراین در دیدگاه‌های اسلامی و به‌ویژه نظریات علامه طباطبایی، بر مشارکت واقعی شهروندان تأکید، و حضور مردم در همه مراحل امری ضروری و مهم تلقی شده است. این مشارکت، به زبان شهرسازی، می‌تواند از انتخاب مدیر شهری با رأی مردم، آغاز شود. اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرای آن و حتی نظارت بر کار، ازجمله مواردی است که در سطوح بالاتر در نظریات علامه طباطبایی مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه

این مقاله به بررسی نگاه اسلام به موضوع مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و چگونگی ارتقای نقش آنها، با تأکید ویژه بر نگاه علامه طباطبایی به‌عنوان یکی از اندیشمندان بزرگ اسلامی پرداخته است. از دیدگاه اسلام، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهری نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ که اصلی‌ترین آنها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا کند و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد. علامه قلمرو مشورت را امور داخلی و خارجی مانند جنگ، صلح، امور اقتصادی و ... ذکر می‌کند و مبنای این نظریه، آیات مربوط به شورا است که علامه به آن استشهاد می‌کند.^۱ وی با اشاره به مشورت پیامبر با مردم ﷺ در جنگ احد حسب امر خداوند، اظهار می‌کند که خداوند از آن راضی بود.^۲ از نظر ایشان، ضرورت مشارکت در ابعاد زیر روشن است:

انتخاب حاکم و نظام حکومتی: از نگاه علامه طباطبایی مردم در اداره امور شهر به‌طور مستقیم دخیل‌اند، بلکه انتخاب نظام حکومتی و حاکم یا همان سیستم مدیریت شهری و مدیر شهر نیز باید با نظر آنها باشد. ایشان بیان می‌کند که نظام حکومت جامعه را باید مردم تعیین و مشخص کنند و اداره امور شهر و جامعه بدون توجه به خواسته‌ها و نقش مردم، به‌دور از اسلام است.^۳ انتخاب حاکم در جامعه

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۵۷ - ۵۶.

۳. پیربابایی و رحمانی، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۶، ش ۲، ص ۳۳۱ - ۳۱۱.

اسلامی با مسلمانان است. حاکم و حکومت وظیفه دارند: ۱. در میان مردم به سیره پیامبر ﷺ رفتار کنند؛ ۲. احکام الهی را پاس دارند و اجرا کنند. ۳. امور حکومتی و جامعه را با مشاوره و شور، اداره کنند. ۴. در امور حکومتی، مصلحت جامعه را رعایت کنند.^۱

اجرای قوانین جامعه: مردم، مسئول زنده‌نگه‌داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت‌اند و این با مشارکت در اداره کشور محقق می‌شود.^۲

نظارت و پایش: مقصود از اجرای قوانین جامعه، سپردن اجرای احکام و حدود بر عهده مردم است، نه اجرای آنها از سوی مردم، بلکه مراقبت و نظارت مردم بر حسن اجرای آنهاست؛ چراکه علامه تصریح دارد که مسئول مستقیم اجرای احکام، همان ولایت و حکومت است. ایشان از اصل امر به معروف و نهی از منکر در آثار خود به صورت متعدد نام می‌برد و از آن به فریضه عمومی و جمعیت امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می‌کند.^۳

کلیه ابعاد مطرح‌شده در نظریات علامه طباطبایی، در سطح عالی مشارکت در نظر اندیشمندان غربی قرار دارد و این مطالعه نشان می‌دهد آنچه به عنوان مشارکت در غرب مطرح می‌شود و در سطوح مشارکت شعاری و محدود است، مورد قبول اسلام و اندیشمندان اسلامی نیست و تأکید اسلام بر مشارکت، از نوع واقعی و در همه مراحل است؛ اعم از انتخاب مدیر شهری، اجرای قوانین و نظارت بر مدیران شهری. بنابراین به جای تقلید از الگوهای غربی، باید با تکیه بر نظریات اسلامی، در کشور اسلامی ایران به ارزیابی شیوه‌های مدیریت شهری از منظر مشارکت، اصلاح ساختار و روند مشارکت و شهرسازی مشارکتی پرداخت.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

۱. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، ص ۱۲۱ - ۱۲۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۲۴.

۳. همان، ج ۹، ص ۹۷.

- پیربابایی، محمدتقی، جواد رحمانی (۱۳۹۵). مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*. ۶ (۲). ۳۳۱ - ۳۱۱.
- حاج سیدالحسینی، پونه السادات (۱۳۹۹). بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی شهروندان در ساختار مدیریت شهری. *معماری‌شناسی*. ۳ (۱۵): ۲۱۱ - ۲۰۵.
- خان‌محمدی، کریم (۱۳۹۱). مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت وحیانی (بر اساس دیدگاه‌های هابرماس و علامه طباطبایی) *علوم سیاسی*. ۱۵ (۵۷): ص ۷۴ - ۳۱.
- دال، رابرت (۱۳۷۸). *درباره دموکراسی*. ترجمه حسن فشارکی. تهران: شیرازه.
- دانش‌پور، سید عبدالهادی، مصطفی بهزادفر، ناصر برک‌پور و مرجان شرفی (۱۳۹۶). محیط برنامه‌ریزی مشارکتی. ارائه مدل مفهومی برای تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی. *نامه معماری و شهرسازی*. ۴ (۲). ۴۱ - ۲۳.
- رحمانی، جواد، محمدتقی پیربابایی و مرتضی شجاری (۱۳۹۴). تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی. *دوفصلنامه اسلام و مدیریت*. ۳ (۶). ص ۱۸۰ - ۱۶۳.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها)*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد.
- شرفی، مرجان، فاطمه رشیدی‌فر و ناصر برک‌پور (۱۳۸۷). مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای (نمونه موردی: محله امیرآباد - گل‌ها). *نامه معماری و شهرسازی*. ۲ (۲). ۵۵ - ۳۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طباطبایی، سید محمدحسین و مهدی آیت‌اللهی (بی‌تا). *فرازهایی از اسلام*. تهران: جهان‌آرا.
- علیزاده، کتابون، مرتضی رضوی‌نژاد و مینا رادفر (۱۳۹۲). بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری؛ نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*. ۱ (۱). ص ۷۸ - ۶۱.
- کشتکار، مهران، حمیدرضا حاتمی (۱۳۹۴). الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام. *مطالعات راهبردی بسیج*. ۱۸ (۴). ۶۸ - ۳۹.

- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۷۸). *بحار الأنوار*. بیروت: نشر دار الاحیاء التراث الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. ج ۱۳. تهران: صدرا.
- مرندی، یحیی و الهه بوذری نژاد (۱۳۹۴). نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و نظام حقوقی - سیاسی جامعه. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*. ۴۵ (۱). ۱۲۲ - ۱۰۷.
- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۱). شهرسازی مشارکتی. *مجله شهرداری‌ها*. ۸ (۳). ۴۱ - ۴۰.
- مظاهری، محمد مهدی (۱۳۸۴). انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبایی. *پژوهش دینی*. ۴ (۳). ۲۳۰ - ۲۱۳.
- یزدانی مقدم، احمد رضا (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای حکومت و مصلحت در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبایی. *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۴ (۳). ۱۸۸ - ۱۶۳.
- یزدانی مقدم، احمد رضا (۱۳۸۸). مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی. *حکومت اسلامی*. ۱۲ (۲). ۱۳۲ - ۱۵۴.
- یزدانی مقدم، احمد رضا (۱۳۸۹). فرهنگ در اندیشه علامه طباطبایی. در *مجموعه مقالات سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی